انسان، دارای اعتقاداتی اســـت که باید از آن دفاع کند و مرزهای اعتقادی خویش را پاس دارد. البته از نظر قرآن این اعتقادات باید برخاسته از عقلانیتی باشد که مطابق فطرت و حقایق هستی است؛ نه اعتقاداتی که کورکورانه یا به پیروی از نیاکان پذیرفته و هیچ مبنای عقلانی و عقلایی ندارد. اعتقادات هر انســـانی ناموس او را تشکیل می‌دهد و باید از آن دفاع کند و نسبت به آن تعصب عقلانی و نه جاهلی داشته باشد. دفاع از ناموس چه اعتقادی و چه غیر اعتقادی از جمله خانواده و ســـرزمین، یک امر عقلایی است که شارع مقدس نیز آن را امضا و تایید کرده است.

نویسنده در مطلب حاضر جایگاه و اهمیت غیرت را در دفاع از انواع نوامیس بشری بر اساس آموزه‌های اسلام تبیین کرده است.

***

دفاع از نوامیس از واجبات شرعی

هر انســـانی اموری چون خانواده، خانه، چراگاه و کشـــور را به عنوان ناموس خویش قرار می‌دهد و خود را ملزم به دفاع از آن می‌داند. در فرهنگ عربی از این امر به عنوان «حمیت» یاد می‌شـــود. حمیت مصدر جعلی از «حمی» به معنای دفاع و صیانت اســـت. محامی کســـی است که به دفاع از شخص به عنوان وکیل عمل می‌کند. البته باید توجه داشـــت که «حمی» به تشدید میم به معنای تب و داغ است.(لســـان‌العرب، ابن منظور، ذیل واژه حمی) محامی، وکیل و مدافعی است که با گرما و حرارت و شدت بسیار به دفاع از شخص یا چیزی می‌پردازد.

ناموس به کمینگاه و نهانگاهی گفته می‌شـــود که صیاد و شکارچی، خود را در آن مخفی می‌کند تا دیده نشود. حال فرقی نمی‌کند که این شکارچی انسان باشـــد یا شیر یا هر جانوری دیگر. البته قانون و شریعت را نیز ناموس می‌گویند؛ زیرا انسان به آن پناه می‌برد و خود را از شر ظلم و ستم در امان نگه می‌دارد. در ادبیات فارســـی به زن و خانواده نیز ناموس گفته می‌شـــود که انسان از آن دفاع می‌کند و اجازه تعرض به کسی نمی‌دهد.

فطرت آدمی به گونه‌ای است که از خود و خانواده و نوامیس خویش دفاع و صیانت می‌کند و اجازه تعرض به کسی را نمی‌دهد. اصولا در هر انسانی سه قوه اصلی عقل و شـــهوت و غضب است. مسئولیت قوه شهوانی جذب هر آن چیزی اســـت که انســـان بدان نیاز دارد و مقتضیات بقا و رشد شخص را فراهم می‌آورد. مسئولیت قوه غضبانی دفع هر آن چیزی است که به ضرر انسان است و در حقیقت موانع موجود را بر می‌دارد و اجازه نمی‌دهد تا مانعی ایجاد شـــود و پیش از ورود آن را دفع می‌کند. پس دو قوه شـــهوانی و غضبانی به عنوان قوای جاذبه و دافعه عمل می‌کند. عقل عهده دار ایجاد اعتدال میان دو قوه و مدیریت و مهار آن است.

بنابراین، قوه غضبی در انسان به عنوان قوه دافعه، هر آن چیزی را که شخص وی یـــا نوامیس او را تهدید می‌کند، دفع کرده و از نوامیس خود از جمله جان و مال و عرض دفاع و صیانت می‌کند.

از آنجا که آموزه‌های اسلام بر اساس فطرت سالم بشری است(روم، آیه ۳۰)، این دفاع و صیانت را تایید و امضا کرده اســـت. لذا صیانت و دفاع از نوامیس به عنوان یک واجب اسلامی در شریعت و احکام آن مطرح شده است.

حمیت مثبت و منفی

البته در اســـلام از حمیت به دو شـــکل مثبت و منفی یاد شده است. از نظر قرآن، حمیت می‌تواند: ۱. عقلانی؛ ۲. غیر عقلانی باشد. خداوند می‌فرماید: إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا؛ آنگاه که کافران در دلهای خود حمیت و تعصب، آن هم تعصب جاهلیت ورزیدند، پس خدا آرامش خود را بر پیامبرش و بر مؤمنان فرو فرستاد و آرمان تقوا را ملازم آنان ســـاخت؛ و در واقع آنان به رعایت آن آرمان و دفاع از مســـجدالحرام و کعبه سزاوارتر بودند و خدا همواره بر هر چیزی داناست.(فتح، آیه ۲۶)

در ایـــن آیـــه پس از آوردن واژه حمیـــت، آن را به قید جاهلی مقید کرده تا دانسته شود که حمیت می‌تواند به دو قسم جاهلی و غیر جاهلی تقسیم شود. باید توجه داشـــت که جهل در بیشتر آیات قرآن به معنای سفاهت و بی‌خردی یعنی جهل در برابر عقل است نه جهل در برابر علم. جاهل همان بی‌عقل و سفیه است. بنابراین، مراد از جاهلیت در این موارد جهل در برابر عقل یعنی بی‌خردی است. بر این اساس، حمیت می‌تواند عقلانی یا غیر عقلانی باشد. حمیت عقلانی آن است که بر اساس فطرت الهی انسان باشد که مومنان بدان سزاوار هستند؛ زیرا ایشان اعتقادات خویش را بر اساس مبانی عقلانی ایجاد کرده و بدان معتقد شده‌اند نه بر اساس تقلید کورکورانه از نیاکان و یا امور خرافی. از همین رو دفاع مومنان از مسجد الحرام و کعبه یک دفاع و حمیت عقلانی است نه جاهلی.

پس کسانی که از اعتقادات عقلانی خویش دفاع و صیانت می‌کنند و نسبت به آن نوعی تعصب می‌ورزند، انسان‌های ارزشمندی هستند؛ زیرا تعصب و حمیت عقلانی یک ارزش فطری و مثبتی است که شریعت نیز آن را امضا و تایید کرده اســـت؛ در حالی که تعصب و حمیت جاهلی و غیر عقلانی، یک امر ضد ارزشـــی است؛ زیرا دفاع و صیانت از امور خرافی و باطلی است که جز سفیهان و بی‌خردان کسی این کار را انجام نمی‌دهد.

علی بن ابراهیم در تفسیرش می‌گوید: وقتی حضرت موسی(ع) خواست با دختر شعیب به طرف منزل حضرت شـــعیب(ع) برود دختر حضرت شعیب در جلو حضرت موســـی به راه افتاد. در اثر وزش باد، لباس به بدن وی می‌چسبید و حجم بدن آشکار می‌شد. حضرت موسی به او گفت: تو در پشت سر من راه بیا و به وسیلـهٔ سنگ راه را به من نشان بده، چون ما از قومی هستیم که به پشت سر زنان نگاه نمی‌کنیم.

نگاهی به جایگاه و اهمیت فوق‌العاده غیرت‌ورزی از دیدگاه قرآن و روایات

غیرت پایگاه دفاع از ناموس

مرتضی زهیری

غیرت ورزی مصداقی از حمیت عقلانی

یکـــی از اصطلاحات در فرهنگ اســـلامی، واژه غیرت است. «غیرت» مصـــدر جعلی از غیر بـــه معنای غیر زدایـــی از حریم حرمت‌هـــا و دفاع از مرزها و نوامیس است. غیور کسی است با حمیت عقلانـــی و تعصب منطقی نســـبت به هر بیگانه‌ای حساسیت به خرج می‌دهد و اجازه نزدیکی و تعرض به غیر نمی‌دهد تا به حریم حرمت او نزدیک یا وارد شود.در آموزه‌های قرآن، همان طوری که به مومنان و مسلمانان اجازه داده نمی‌شود تا به حریم حرمت‌های شرعی نزدیک شوند، اجازه داده نمی‌شودتا به حریم نوامیس دیگران هم نزدیک شده و یا متعرض آن شوند. از همین رو چشم فروهشتن از نوامیس دیگران از جمله ناموس جنسی و زنان و دختران دیگران واجب دانسته شده است.

خداوند می‌فرماید: ای رســـول ما، مردان مؤمن را بگو تا چشـــمها بپوشند و اندامشان را از کار زشت با زنان محفوظ دارند که این بر پاکیزگی (جسم و جان) شـــما بهتر اســـت؛ و البته خدا به هر چه کنید کاملاً آگاه است و به زنان با ایمان بگو: از برخی نگاه‌ها چشم پوشی کنند و دامن‌های خود را حفظ نمایند و جز آنچه (به طور طبیعی)ظاهراست، زینت‌های خود را آشکار نکنند و روسری خود را برگریبان بیفکنند (تا علاوه بر ســـر، گردن و سینه آنان نیز پوشیده باشد) و زینت خود را ظاهر نکنند جز برای شوهر، یا پدر یا پدر شوهر، یا پسر، یا پسر شوهر (که از همسر دیگر است) یا برادر، یا پسر برادر، یا پسر خواهر، یا زنان (هم کیش)، یا آنچه مالک شده‌اند (از کنیز و برده)، یا مردان خدمتکار که تمایل جنســـی ندارند، یا کودکانی که (به ســـنّ تمییز نرسیده و) بر امور جنسی زنان آگاه نیســـتند . و پای خود را بـــه گونه‌ای به زمین نکوبند که آنچه از زیور مخفی دارند آشکار شود. ای مؤمنان! همگی به سوی خدا بازگردید و توبه کنید تا رستگار شوید. (نور، آیات ۳۰ و۳۱)

از نظر قرآن همان گونه که انســـان باید نســـبت به حریم حرمت‌های دیگران محفوظ به حیا و عفت باشد و متعرض نوامیس دیگران نشود، هم چنین باید نسبت به نوامیس خویش نیز مراقبت داشته و به صیانت و دفاع از آن پرداخته و غیـــرت ورزد و اجازه ندهد بیگانه به حریم ناموسی او نزدیک یا وارد شود.

رسول خدا (ص) فرمودند: هر زنی که خود را برای غیر شوهرش خوشبو و آرایش کند، خداوند نماز او را قبول نمی‌کند، تا اینکه برای پاک ســـاختن خود از آن، غسل کند.

از نظر آموزه‌های قرآنی کسی که حمیت عقلانی نداشـــته و به صیانت و دفـــاع از حریـــم نوامیس خویش با غیرت‌ورزی اقدام نکند، روی بهشـــت را نخواهد دید. رســـول خدا (ص) فرمود: سه گروه هرگز داخل بهشت نمی‌شوند: ۱- کســـی که نسبت به عفت ناموس خود بی‌تفاوت است. ۲- زنی که خود را در لباس و حرکات و امور دیگر شـــبیه مرد سازد. ۳- شرابخوار. (میزان الحکمه : ج ۲، ص ۱۰۲)

غیرت‌ورزی در آموزه‌های روایی

غیرت ورزی و غیرتمند بودن از صفات نیک الهی انسان است؛ زیرا خداوند خود غیور است و هرگز اجازه شرک نمی‌دهد و کسی را که به وی شرک ورزد و ناموس توحید را تهدید کند، مجازات می‌کند. انسان نیز باید نسبت به همه نوامیس حقیقی خویش این گونه غیور باشد. از نظر آموزه‌های اسلام، غیرت جزو امور ارزشـــی و مثبت است که باید هر کسی به آن آراسته شود. امام صادق(ع) می‌فرماید: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى غَيُورٌ يُحِبُّ كُلَّ غَيُورٍ وَ لَغَيْرَتِهِ حَرَّمَ الْفَوَاحِـــشَ ظَاهِرَهَا وَ بَاطِنَهَا؛ همانا خداوند تبارک و تعالی با غیرت است و مردان غیور را دوست دارد و از همین رو، زشتی‌ها را چه آشکار و چه پنهان حرام کرده است.(کافی، ج۵، ص ۵۳۵ و ۵۳۶ ، ح۱)از نظر پیامبر اعظم و اکرم اســـلام(ص) ایمان نشانه‌هایی دارد که یکی از نشانه‌های ایمان غیرت‌ورزی است. آن حضرت(ص) می‌فرمایند: اَلْغَيْرَةُ مِنَ الايمانِ وَالمِذاءُ مِنَ النِّفاقِ؛ غیرت از ایمان است و بی‌بند و باری از نفاق.(نهج الفصاحه ص ۵۸۷، ح ۲۰۴۵)

ایشـــان همچنین فرموده است: كانَ إبراهيمُ أَبى غَيورا وَأَنَا أَغْيَرُ مِنهُ وَ أَرغَمَ اللّه أَنـــفَ مَن لا يَغارُ مِـــنَ المُؤمِنينَ؛ پدرم ابراهیم (ع) مرد غیرتمندی بود، لکن من غیرتمندتر هستم؛ و خداوند بینی مسلمانی را که غیرت ندارد به خاک ذلّت می‌مالد.(مکارم الاخلاق: ص ۲۳۹؛ وسائل الشیعه: ج ۱۴، ص ۷۶؛ بحار الانوار: ج ۱۰۳، ص ۲۴۹؛ کافی: ج ۵، ص ۵۳۶)

حضرت امام علی (ع) می‌فرماید: خداوند لعنت کند کسی را که غیرت ندارد. و نیز فرمود: کسی که غیرت ندارد قلبش واژگون و سیاه است.(وسائل: ج ۱۴، ص ۱۷۶؛ کافی: ج ۵، ص ۵۳۶.)

غیرت‌ورزی امام علی(ع) نسبت به دخترش زینب(س)

در ســـنت و سیره آن حضرت نیز غیرت‌ورزی به نمایش گذاشته شده است. یحیی مازنی می‌گوید: من مدّت زیادی همســـایه حضرت علی (ع) بودم و (منزل ما) نزدیک خانه‌ای بود که حضرت زینب در آن ســـاکن بود. به خدا قسم در این مدت نه من زینب را (بیرون) دیدم و نه صدایش را (از داخل خانه) شـــنیدم. او هر وقت می‌خواســـت به زیارت قبر شریف جدش رسول خدا (ص) مشرف شود شبانه از منزل خارج می‌شد در حالی که امام حسن(ع) در طرف راست او و امام حســـین(ع) در طرف چپش و امیر المؤمنین(ع) در جلو او حرکت می‌کردند؛ و هنگامی که حضرت زینب به قبر شریف رسول خدا(ص) نزدیک می‌شد حضرت علی (ع) جلوتر می‌رفت و نور چراغی را که بالای سر پیامبر (ص) بود کمتر می‌کرد. یک مرتبه امام حسن (ع) علت این کار را از آن حضرت سؤال کرد، حضرت علی (ع) در جواب فرمود: می‌ترسم (کسی زیارت آمده باشد) و به خواهرت زینب نگاه کند.(زینب کبری (س)، علامه نقدی، ص ۲۸)

علی بن ابراهیم در تفســـیرش می‌گوید: وقتی حضرت موسی(ع) خواست با دختر شـــعیب به طرف منزل حضرت شـــعیب(ع) برود دختر حضرت شعیب در جلو حضرت موسی به راه افتاد. در اثر وزش باد، لباس به بدن وی می‌چسبید و حجم بدن آشـــکار می‌شد. حضرت موسی به او گفت: تو در پشت سر من راه بیا و به وسیلـهٔ سنگ راه را به من نشان بده، چون ما از قومی هستیم که به پشت ســـر زنان نگاه نمی‌کنیم. حضرت شعیب به دخترش گفت: چگونه دانستی که او امانتدار است؟ دختر در جواب پدرش گفت: او در میان راه از من خواست تا پشت سر او حرکت کنم و پیش رویش راه نروم. (مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۷۳.)

ابـــن عباس می‌گوید: حضرت موســـی (ع) مرد غیرتمندی بود و به ســـبب همین با مردان در خانه‌اش رفت و آمد نمی‌کرد تا همسرش دیده نشود. (سفینه البحار باب ، غیر.)

رســـول گرامی اسلام (ص) فرمود: زنی که خود را زینت و خوشبو نماید و از خانه‌اش خارج شود و شوهرش به این کار راضی باشد برای هر قدمی که این زن بر می‌دارد برای شـــوهرش خانه‌ای در جهنم بنا می‌شـــود. (بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۹؛ سفینه البحار ج ۲ ص ۵۸۶)

رســـول خدا(ص) فرمودند: خداوند هفت نفر را لعنت کردند که یکی از آنها مردی اســـت که نسبت به پوشش و عفت همســـرش بی‌توجه است.(مستدرک الوسایل، ج، ۱۴ص۲۹۱)

امام رضا(ع) درباره علت حجاب فرمود: حرام شـــد نگاه به موهای زنان برای آنکه اگر موهای آنها در برابر مردان نامحرم آشـــکار شـــود باعث تحریک و جلب خواهد شـــد. (و این جلب شدن مردان به زنان) فساد و بی‌بند و باری را به دنبال دارد و ســـبب می‌شـــود که (مردم) در کارهای حرام وارد بشوند. (علل الشرایع ج ۲ ص ۲۸۷ باب ۳۶۴)

رســـول خدا(ص) فرمودند: هر زنی که خود را معطّر ســـازد و از منزل خارج شود و از کنار گروهی بگذرد تا بوی او را دریابند وی زناکار است و هر چشمی که این زن را ببیند زنا کار است. (سنن نسائی: ج ۸ ص ۱۵۳؛ کنزالاعمال: ج ۱۶ ص ۳۸۳ شماره ۴۵۰۱۰.) همچنین رسول خدا (ص) فرمودند: هر زنی که خود را برای غیر شـــوهرش خوشبو و آرایش کند، خداوند نماز او را قبول نمی‌کند، تا اینکه برای پاک ســـاختن خود از آن، غسل کند چنانکه خود را از جنابت، غسل می‌دهد. (کافی: ج ۵، ص ۵۰) رسول خدا (ص) فرمودند : وقتی زنی برای غیر از شوهرش خود را خوشبو کند، مایهٔ آتش جهنم و باعث ننگ است. (نهج الفصاحه ص ۳۶ کنز العمال: ج ۱۶ ص ۳۸۱ شمارهٔ ۴۵۰۰۱.)

رسول خدا (ص) فرمود: دو گروه اهل جهنم هستند از جمله زنان بد حجابی (که در ضمن اینکه پوشـــیده‌اند برهنه و عریانند) آنان برای فتنه و فریب مردان، خود را آرایش و زینت می‌کنند و مانند کوهان شتر سبکسر، موهای خود را بیرون می‌گذارند. این زنان نه داخل بهشـــت خواهند شد و نه بوی بهشت به مشامشان خواهد رسید.(کنز الاعمال: ج ۱۶ ص ۳۸۳ شماره ۴۵۰۱۳، و نیز ج ۱۶ ص ۴۰۱)

حضرت علی(ع) فرمود: بر شـــما لازم است لباس ضخیم (در برابر نامحرم و بیرون از منزل) بپوشید. هرکسی که لباسش نازک است، دین او هم مثل لباسش ضعیف و نازک است. (وسائل‌الشیعه : ج ۳ ص ۳۵۷)

از نظر آموزه‌های اسلام، غیرت جزو امور ارزشی و مثبت است که باید هر کسی به آن آراسته شود. امام صادق(ع) می‌فرماید: خداوند تبارک و تعالی با غیرت اســـت و مردان غیور را دوست دارد و از همین رو، زشتی‌ها را چه آشکار و چه پنهان حرام کرده است.

رسول گرامی اسلام (ص) فرمود: زنی که خود را زینت و خوشبو نماید و از خانه‌اش خارج شود و شوهرش به این کار راضی باشد برای هر قدمی که این زن بر می‌دارد برای شوهرش خانه‌ای در جهنم بنا می‌شود.

البته باید توجه داشـــت که غیرت نیز همانند حمیت می‌تواند عقلانی و غیر عقلانی باشد. از همین رو حضرت علی (ع) به فرزندش امام‌حسن(ع) فرموده است: إِيّاكَ وَالتَّغايُرَ فى غَيرِ مَوضِعِ غَيرَةٍ فَإِنَّ ذلِكَ يَدعُو الصَّحيحَةَ إِلَى السَّقمِ وَ البَريئَةَ إِلَى الرَّيبِ؛ مواظب باش در غیر موضع غیرت و نابجا، غیرت بخرج ندهی؛ زیرا این عمل افراد سالم را به سوی فساد و افراد پاکدامن را به جانب گناه متمایل خواهد ساخت. (بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۵۲)

بررسی علل و آثار نسیان و غفلت

از خدا فراموشی تا خود فراموشی

* محمد احسان آزادی

نسیان یا همان فراموشی آن است که انسان چیزی را می‌دانست ولی به علل و عواملی آن را از خاطر برده است. از این رو نیازمند تذکر است. اما غفلت فراموشـــی نیست، بلکه عدم التفات و توجه است. به این معنا که چیزی در برابرش است، ولی از وجود آن غافل بوده و توجه و التفاتی به آن ندارد و تنها نیازمند تلنگری است تا متوجه حضور شی شود.

یکی از مشـــکلات بشر همین نسیان و غفلت است؛ البته این حالت جنبه‌های مثبتی نیـــز دارد، ولی اگر در ارتباط با فلســـفه آفرینش و سیر تکاملی انسان باشد، بسیار خطرناک و زیانبار است. نویسنده در این مطلب جنبه‌های منفی فراموشی و نسیان و آثار و عوامل و اسباب آن را تشریح کرده است.

***

تفاوت و فرق معنایی نسیان و غفلت

واژه نسیان از «نسیء» گرفته شده است. نسیان در عربی، معادل فراموشی در زبان فارسی است.(لغت نامه، دهخدا،ج ۱۰، ص ۱۵۰۱۵، «فراموشی») و ذکر ضد نســـیان و به معنای یاد داشتن و یادآوری و به تعبیر راغب اصفهانی حالتی است که به انسان امکان می‌دهد معارفی را که دریافته است حفظ و نگهداری کند و به هنگام نیاز آن را در ذهن حاضر سازد.(مفردات الفاظ قرآن کریم، راغب اصفهانی ، ذیل واژه ذکر) پس باید گفت که نسیان و فراموشی حالتی است که انسان چیزی را بداند و یا بشناسد، ولی به علل طبیعی یا غیر طبیعی آن را از یاد ببرد. چنین حالتی را حالت فراموشکاری می‌گویند.

همچنیـــن نســـیان بـــه معنای بی‌اعتنایـــی و ترک چیـــزی به طور اســـتعاری و مجـــاز بـــه کار می‌رود. برخی از اهـــل لغت حتی این معنا را جزو موضوع له لفظ نسیان دانسته و گفته‌اند که نسیان به دو معناست. در مصباح المنیر آمده است: نسیان هم به معنای فراموش کردن و هم بمعنی ترک و اهمـــال و بی‌اعتنائی می‌آید. (مصباح المنیر، ص ۶۰۴)

راغب اصفهانی هـــم بعد از بیان معنای نسیان می‌گوید: در قرآن به هر دو معنا آمده است. سپس ایشان برای نسیان به معنای بی‌اعتنایی مثال‌هایی آورده که از جمله آنها آیه ۵۱ سوره اعراف است.(مفردات الفاظ قرآن کریم، راغب ، ص ۴۹۱ ، واژه نسی)

علامه طباطبائی نیز می‌نویســـد: نسیان در مقابل ذکر است ولکن در بعضی از اوقات به طور اســـتعاری بر ترک چیزی و بی‌اعتنایی به آن نیز اطلاق می‌شود، همچنان که در آیه ۵۱ ســـوره اعراف به همین معنا آمده اســـت؛ زیرا نسیان در این آیه به معنای فراموشـــی نیســـت، چون خداوند چیزی را فراموش نکرده و از حال کســـی غافل نمی‌شود، بلکه معنایش این است که همان طوری که اینها در دنیا ما را فراموش کردند ما نیز امروز به لوازم زندگی‌شـــان نمی‌پردازیم.(تفســـیر المیزان، ج ۸ ، ص ۱۳۴)

پس وقتی واژه نسیان به کار می‌رود، منظور خود اصل فراموشی نیست، بلکه مراد ترتیب آثار فراموشی است؛ زیرا یکی از مهم‌ترین و نخستین آثار فراموشی رها کردن آن چیز و بی‌اعتنایی به آن یا ترک کاری است که باید انجام گیرد. بنابراین مراد از نســـیان در آیه ۵۱ سوره اعراف: (فالیوم ننساهم کمانسوا لقاء یومهم هذا) که نســـیان به خداوند نســـبت داده می‌شود، ترتب آثار آن است؛ یعنی خداوند با فراموشکار همان کاری را می‌کند که او در دنیا انجام داده است.

اما غفلت به حالتی گفته می‌شـــود که به ســـبب کمی مواظبت یا هوشیاری به انسان دست می‌دهد و توجهش نسبت به چیزی یا موضوعی از میان می‌رود. (مفـــردات الفاظ قرآن کریم، راغب اصفهانی، ص ۶۰۹ ، «غفل») بنابراین غفلت با فراموشی تفاوت دارد.

فراموشی طبیعی و غیر طبیعی

برخی برای فراموشی دو حالت طبیعی و غیر طبیعی ذکر کرده و گفته‌اند که فراموشی و نسیان گاهی به صورت طبیعی است، چنانکه در آیه ۶۱ سوره کهف وقتی خداوند نقل می‌کند که موســـی(ع) و همراهش ماهی خودشان را فراموش کردند: «نسیا حوتهما»، مراد همان فراموشی طبیعی است؛ ولی گاهی این فراموشی بر اثر اعراض از آن چیز یا امر و یا به سبب توجه و اشتغال به امور مادی و دنیوی است که انسان را از وظیفه ای باز می دارد که خداوند به آن یادآور شده بود. از مصادیق این نوع فراموشی می‌توان به آیه شـــریفه ۵۷ سوره کهف اشاره کرد: «فاعرض عنها و نسی ما قدّمت یداه». آنچه از آیات، بیانگر مذمّت و یا مؤاخذه بر فراموشی است در رابطه با جهت دوم است.(التحقیق، ج ۱۲، ص ۱۱۴ - ۱۱۵، «نسی»)

آنچـــه از طبیعـــی و غیر طبیعی بـــودن در اینجا مطرح شـــده حالات انسان نسبت خداست. اما اگر بخواهیم برای فراموشی طبیعی مورد و مصداقی ذکر کنیم بهترین نمونه همان فراموشی طبیعی است که به علت پیری بر انسان عارض می‌شـــود. این دوره یکی از بدترین و پســـت‌ترین حالات انسانی است که انسان همه دانسته‌ها یا بسیاری از آنها را به سبب پیری از دست می‌دهد.(نحل، آیه ۷۰؛ حج، آیه ۵)

خداوند بارها به انسان هشدار می‌دهد که اهل ذکر باشند و دمی از حالت ذکر بیرون نروند تا گرفتار نسیان و غفلت نشده و برای خود بدبختی و شـــقاوت ابدی را رقم نزنند. همه آیات قرآن و همه مصیبت‌ها و بلایا در زندگی و همه اعمال عبادی و اعمال صالح برای این مطرح می‌شود و بوجود می‌آید تا انسان، غافل و ناسی نشود و نانی که می‌خورد بداند که به چه هدفی می‌خورد؟

فراموشی مثبت و منفی

به نظر می‌رسد که نسیان را غیر از طبیعی و غیر طبیعی می‌توان به دو قسم اساسی مثبت و منفی نیز دسته بندی کرد. به این معنا که نگاه ارزشی به مسئله نســـیان داشته و بر اساس آن به دسته بندی نسیان اقدام کنیم. در این رویکرد، هر گاه نسیان موجب فراموشی اصول مهمی چون فلسفه و حکمت زندگی شود، امری ضد ارزشـــی و غیر مثبت خواهد بود و اگر چنین چیزی را موجب نشـــود، مثبت و ارزشـــی خواهد بود؛ زیرا گاه لازم است که انسان برخی امور را فراموش کند تا در مسیر تعادل قرار گیرد؛ چرا که عدم فراموشی مصیبت‌ها و ماندن در آن می‌تواند امید را از انسان سلب کرده و او را دچار افسردگی و یاس و نومیدی کند.

عوامل فراموشی منفی و زیانبار

از آنجا که مهمترین وظیفه آموزه‌های قرآن هدایت‌گری است، آیات قرآن به عوامل و آثار فراموشی زیانبار پرداخته است تا انسان را نسبت به این عوامل آگاه و هوشیار کرده و مسیر درست را برای قرار گرفتن در مدار ذکر فراهم آورد؛ و این به معنای رهایی از بلایا و مصیبت‌ها و شقاوت‌ها و خسارت‌های دنیوی و اخروی است که آدمی را ساقط می‌کند و به دوزخ خشم الهی می‌افکند.

خداوند به انســـان‌ها می‌آموزد که چگونه با پرهیز از عوامل فراموشی به ذکر دائمی مشـــغول باشند و از آثار ذکر الهی چون اطمینان (رعد، آیه ۲۸) بهره‌مند شوند. فراموشی خدا و فلسفه زندگی موجب سختی زندگی در دنیا (طه، آیه ۱۲۴) و بی‌اعتنایی و بی‌توجهی خداوند به او در آخرت است.(اعراف، آیه ۶۱)

مهمترین علل و عوامل فراموش کردن خدا و معاد و حکمت و فلسفه زندگی دنیوی در اموری چون هواهای نفسانی و وسوسه‌های شیطانی نهفته است.(انعام، آیه ۶۸؛ کهف، آیه ۶۳؛ مجادله، آیه ۱۹)

انسانی که گرفتار هواهای نفسانی اســـت دنبال ارضای شهوات نفسانی می‌رود و عقل خود را به کار نمی‌گیرد. از این روســـت که ســـرگرم امور لغو و لهوی دنیا شـــده و بـــه بازی کنز و تکاثـــر و تفاخر و مانند آن می‌پردازد. لذا خداوند در آیه ۴۴ سوره بقره عدم تعقل بشر را نسبت به اعمال ناپسند و زشـــتی که مرتکب می‌شـــود، یکی از مهمترین عوامل نسیان خدا و آموزه‌های وحیانی می‌داند. پس به جای آنکه در آیات تکوین و تدوین تعقل و تفکر نماید و خوب و بد را باز شناسد و در مسیر اعمال خوب و پسندیده گام بردارد، به سوی زشتی‌ها می‌رود و کارهای زشت را مرتکب می‌شود و بر خلاف آموزه‌های وحیانی و کتاب الله عمل می‌کند.

اینکه انسان‌ها گرفتار ظلم و ستمگری می‌شوند عواملی دارد که از جمله آنها همین هواهای نفسانی و وسوسه‌های شیطانی و عدم تعقل است. وقتی انسان به تذکرهای الهی بی‌توجه شود و ذکر الله را کناری نهد و آن را به دست فراموشی بسپارد دیگر کار خوب و عادلانه انجام نمی‌دهد.

همچنین کسانی که گرفتار فسق و فجور می‌شوند و به وسوسه‌ها و هواهای نفسانی پاســـخ مثبت می‌دهند، در یک فرآیندی ذکر الله را فراموش می‌کنند و با فراموشـــی ذکرالله و کتاب الله به ظلم و ستم روی آورده و خود و دیگران را به شقاوت ابدی گرفتار می‌کنند. لذا خداوند نسبت به فسق و فجور هشدار می‌دهد؛ زیرا عاملی مهم در فراموشی خدا و کتاب الله و ذکر الله است.

همچنین رفاه زندگـــی و تنعم بیش از اندازه در زندگی از دیگر عوامل تاثیر گذار در فراموشـــی انسان اســـت؛ زیرا مترف و مرفه و متنعم چنان غرق آسایش مادی دنیوی می‌شود که از حقایق غافل و سپس نسبت به آن فراموشکار می‌شود و در نتیجه شقاوت ابدی را برای خود می‌خرد. خداوند در آیه ۱۸ سوره فرقان و ۸ سوره زمر رفاه زندگی بشر و فروافتادن در تنعم را عامل نسیان و آثار و تبعات آن معرفی می‌کند و نسبت به رفاه زندگی هشدار می‌دهد تا گمان نکند که نعمت‌های بسیار به معنای رفاه زندگی و سرگرم شدن به آن است؛ زیرا نعمت اگر به درستی استفاده نشود خود مهم‌ترین مصیبت بشر خواهد بود و او را به دام نسیان می‌افکند که پیامدی جز شقاوت ندارد.

مهمترین علـــل و عوامل فراموش کردن خدا و معاد و حکمت و فلسفه زندگی دنیوی در اموری چون هواهای نفسانی و وسوسه‌های شیطانی نهفته است.

آثار فراموشی در دنیا و آخرت

فراموشـــی خدا و حکمت و فلســـفه زندگی، آثار و پیامدهایی را در دنیا و آخرت به دنبال دارد که در قرآن به آنها پرداخته شـــده تا انســـان‌ها بتوانند با شـــناخت این آثار از عوامل ایجادی فراموشی منفی و زیانبار یعنی فراموشی از خدا و معاد پرهیز کنند و در مســـیر خدا و فلسفه آفرینش حرکت کنند و زندگی خود را سامان دهند.

از مهمترین آثاری که برای فراموشی انسان در دنیا مطرح شده است می‌توان به خود فراموشی(حشر، آیه ۱۹)، فسق و فجور(همان)، ترویج زشتیها و منکرات(توبه، آیه ۷۶)، ترک انفاق و کمک مالی و مادی به دیگران(همان)، ممانعت از معروف و کارهای پسندیده (همان)، عدم بهره مندی از هدایت‌های الهی(کهف، آیه ۲۴)، بروز تنگناهای مالی(طه،آیه ۱۲۴) و مانند آن اشاره کرد.

کسانی که گرفتار فراموشی خدا و معاد در دنیا هستند، در آخرت نابینا محشور می‌شوند(طه، آیه ۱۲۴) و دوزخ را برای خود می‌خرند و به شقاوت ابدی دچار می‌شوند.(فرقان، آیه ۱۸)

عـــذاب دائمی(توبـــه، آیه ۶۷ و ۶۸)، گرفتـــاری به نفریـــن و لعن الهی(همان)، قـــرار گرفتن در زمره اصحاب آتش جهنّم (حشـــر، آیات ۱۹ و ۲۰)، محرومیت از ثواب و خیر آخرت (توبه، آیات ۶۷ و ۶۸)، دوری آنـــان از رحمت خداونـــد (همان)، هلاکـــت در دنیا و آخرت (فرقان، آیـــه ۱۸) و مانند آن از جمله آثار اخروی فراموشی خداوند است.

بسیاری از مردم چنان سرگرم دنیا و مادیات شده و به بازی کودکانه تکاثر و کنز مشغول و مدهوش قدرت و ثروت گشته‌اند که خدا و فلسفه زندگی را فراموش کرده‌اند و گمان نمی‌کنند که برای این دنیا با همه زیبایی و نعمت هایش پایانی است و انسان می‌بایست خود را برای ابد آماده کند. این گونه است که هر روز با هر حیله و فریبی می‌کوشـــند تا قدرت و ثروت بیشـــتر گرد آورد و با چاپلوسی و نفاق بر ســـفره ستمگران و مستکبران و زراندوزان بنشیند تا لقمه‌ای از ننگ در گلو فرو برده و شقاوت ابدی را به جان بخرند.

خداوند بارها به انسان هشدار می‌دهد که اهل ذکر باشند و دمی از حالت ذکر بیرون نروند تا گرفتار نسیان و غفلت نشده و برای خود بدبختی و شقاوت ابدی را رقـــم نزنند. همـــه آیات قرآن و همه مصیبت‌ها و بلایا در زندگی و همه اعمال عبادی و اعمال صالح برای این مطرح می‌شـــود و بوجود می‌آید تا انسان، غافل و ناسی نشود و نانی که می‌خورد بداند که به چه هدفی می‌خورد؟

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند
تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

چراغ راه

شاخص‌های رفتار انسانی

قال‌النبی(ص): «من عامل الناس فلم یظلمهم و حدثهم فلم یکذبهم، و وعدهم فلم یخلفهم، فهو ممن کملت مروته و ظهر عدالته و وجب اجره و حرمت غیبته.

پیامبر گرامی(ص) فرمود: هر کس با مردم معاشرت کند و به آنها ستم نکند، و با آنها سخن گوید و دروغ نگوید، و به آنها وعده دهد و تخلف نکند، مردانگیش کامل، و عدالتش آشکار، و ثواب او ثبت است، و غیبت او حرام است.[1]

۱- تحف‌العقول، ص ۵۶

حکایت خوبان

اوصاف عصر ظهور

پیامبر گرامی اسلام(ص) می‌فرماید: در آخرالزمان پرستش‌گرانی نادان و قرآن‌خوانانی گناهکار (و فاسق) خواهند بود. [1]

آن حضـــرت در روایتی دیگر می‌فرمایـــد: گروهی از امت من در آخرالزمـــان خواهنـــد آمد که به مســـاجد می‌روند و دور هم می‌نشینند و در مسجد در مورد محبت دنیا حرف می‌زنند با آنها ننشینید.[2]

همچنان کـــه در مورد برخی علمای ریاکار آمده اســـت که: مـــردم را بـــه آخرت ترغیـــب می‌کنند، و خود بـــه آن علاقه‌ای ندارند، و مـــردم را